

شهید علی پرازده




ازبائری
سازمان جامع سوادداری و آموزش عالی ایران

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۳۸/۰۱/۰۵
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۴/۳۰
محل شهادت	حاج عمران
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار و وظیفه
شغل	—
تحصیلات	دیپلم
مدفن	مفقود الاثر

زندگینامه

علی پرازده فرزند عباس در خانواده ای مذهبی و روحانی در سال ۱۳۳۸ در روستای سربست از توابع شهرستان دشتستان دیده به جهان گشود در دوران کودکی شوق فراگیری علوم دینی در او به وفور دیده می شد در دوران نوجوانی قرآن را به طور کامل فرا گرفت در سن شش سالگی برای فراگیری علوم نظری راهی دبستان محمدی سربست شد و این دوره را با موفقیت به پایان رسانید برای ادامه تحصیل به برازجان مراجعت کرد وی دوره راهنمایی را نیز با موفقیت به پایان برد در این مدت در ایام تابستان به دایر کردن کلاسهای قرآن در روستا همت می گمارد دوران دبیرستان او مصادف شده بود با ایام راهپیمائیه و تظاهرات مردم کشورمان بر علیه رژیم شاهنشاهی ، علی پرازده هم از بنیانگذاران راهپیمائیه بود در حدی بود که درس و مدرسه را رها کرده بود و به تحریک مردم بر علیه رژیم اقدام می کرد تا این که انقلاب در سال ۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی و وحدت مردم به پیروزی رسید وی شب و روز به خدمت مردم همت گماشت در کارهای اجتماعی پیش قدم بود تا این که در سال ۵۹ رژیم سفاک عراق با یورش به خاک میهن اسلامیان ، جنگی همه جانبه را به راه انداخت ایشان لحظه شماری می کرد که فرصتی به دست آورد در این زمینه هم به دفاع از اسلام و انقلاب بپردازد تا اینکه در سال ۶۰ در پادگان شهید دستغیب کازرون آموزشی عمومی جبهه را دید و رهسپار جبهه ها گردید و حدود سه ماه در مناطق عملیاتی آبادان با دشمنان درگیر بود ایشان بعد از این که به ترخیص شد بلافاصله در عملیات پیروزمند محرم شرکت نمود و در آن عملیات غرور آفرین مجروح گردید و پس از اتمام مأموریت به خانه برگشت تا اینکه در عملیات والفجر در منطقه عملیاتی پیرانشهر در حین عملیات مفقود گردید و کسی دیگر از او اطلاعی نیافت.

خاطرات

ویژگیهای برادر مفقود الاثر علی پرازده از زبان والدین و خانواده

قبل از تولد شهید و در زمان بارداری او همیشه با وضو بودم و سعی می کردم از غذاهای سالم و تمیز یعنی بدانستم از کجا بدست آمده استفاده نمایم ذکرهای فاطمه (س) را مرتب تکرار کنم پدرش با توجه به ارادت و اخلاص که به مولای متقیان علی علیه السلام داشت اسم او را قبل از تولد اگر پسر بود علی بگذارند و اگر دختر بود زهرا، که خداوند کرامت کرد و او پسر به دنیا آمد و پدرش هم اسم

او را علی گذاشت و همچنین روز تولد او در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد که باز هم مزید بر علت شد. چند شب قبل از تولد شهید در خواب دیدم که تمام دوازده امام به منزل ما آمدند و ما به دنبال آنان و پشت سرشان حرکت می کردیم و بعد از پذیرایی از امامان بزرگوار خدا حافظی کردند و رفتند. پدرش از همان دوران کودکی و قبل از مدرسه به او قرآن و نماز یاد می داد و ایشان هم با علاقه گوش می کرد و از همان دوران کودکی تشنه دستورات اسلام بود. اخلاق و رفتارش بیار خوب و متین بود و به افراد خانواده علاقه خاصی داشت به بزرگترها و کوچکترهای خودش احترام می گذاشت او بهترین بازی و تفریح را کمک به والدین می دانست. زمان ورود او به دبستان مصادف بود با گشایش اولین دوره دبستان محل بود به علت فقر خانوادگی و کمبود امکانات در زمان مدرسه خیلی زجر می کشید مجبور بود در تابستان به کارگری بپردازد تا بتواند ادامه تحصیل دهد. بسیار متواضع بود در امر دینی همیشه پیش قدم بود. مدرسه را ترک نکرد زمانیکه جنگ شروع شد ترک تحصیل نداشت به علم و دانش عشق می ورزید و برای یادگیری آن انگیزه خاصی داشت صله رحم را در حد بالایی انجام می داد از همسایگان دیدن می کرد ارتباط نزدیکی با خانواده های معظم شهدا داشت از آنان سرگشی می کرد و به مسائل و مشکلات آنان توجه داشت احترام خاصی برای معلمان خود قائل بود عشق به امام خمینی و ولایت داشت شب و روز به صحبت های ایشان گوش فرا می داد و آنان را خلاصه می کرد و در اختیار افراد قرار می داد.

.....

ویژگیهای شهید از زبان همزمانش

فردی متدین و مذهبی، دارای اخلاق نیکو و نمونه یک انسان کامل و با تقوی بود علاقه داشت که به کودکان قرآن بیاموزد و در ایت راه تلاش زیادی از ط خود می نمود به علم روز علاقمند بود تا جایی که برای کسب علم به روستاهای اطراف با پای پیاده مسافرت می کرد در کارهایش بسیار منضبط بود و هر کاری را به موقع خود انجام می داد دارای برنامه روزانه بود نمازش را به موقع می خواند و نوافل را به جای می آورد مخالف سرسخت گروه های الحادی بود دائماً با منافقین در ستیز بود و آنان را محارب با خدا و ائمه اطهار می دانست او روحانیت را پیشوانه انقلاب اسلام و دین اسلام می دانست ذاتاً از روحانیت خوشش می آمد گاهی می شد برای پرسیدن یک مسئله فقهی چندین کیلومتر با پای پیاده حرکت کند تا به یک روحانی برسد و جواب بگیرد روحانیت را عامل پیروزی انقلاب می دانستند جنگ را جنگ بین کفر و اسلام می دانستند و اعتقاد داشت باید جنگ را ادامه داد تا زمانیکه متجاوزین به سزای اعمال خود برسند افراد را به شرکت در جبهه ها تشویق می کرد و سخنان امام را در زمینه حضور در جبهه با صدای بلند بین دوستان و جوانان اعلام می کرد در جبهه به بقیه رزمندگان روحیه می داد و آنان را تشویق می نمود که از جنگ خسته نشوند ایشان در عملیات والفجر در منطقه عملیاتی پیرانشهر مفقود شدند گویا هنگامی که زخمی بود و او را در هواپیما می گذارند هواپیما نقص فنی پیدا می کند و به زمین می خورد و آتش می گیرد دیگر این عزیزان پیدا نشدند با زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان می توانیم انقلاب را زنده نگه داریم

بیان خاطره از شهید علی پرازده

عملیات محرم شروع شده بود از رودخانه دویرج در منطقه دشت عباس عبور کردیم زیر تیر مستقیم دشمن قرار داشتیم چون آنها بالای تپه ها بودند و ما در پایین به راحتی گردان ما را مورد هجوم خمپاره ها و توپ های خود قرار دادند در همین اثنا خمپاره ای در نزدیکی ما منفجر شد و ترکش به پای علی اصابت کرد ایشان با شوخی گفتند که صدام بالاخره مرا هم زدی در حالی که می خواستیم او

را به

آمبولانس برسانیم حاضر نشد که سلاح و مهمات خود را بپندازد می گفت که این متعلق به بیت المال است و باید به دست رزمندگان دیگر بیفتد او را به آمبولانس رسانیدیم و خود رفتیم جهت عملیات و چند روزی بود که از او خبری نداشتیم تا اینکه پشت شهر طیب عراق در سنگر نشسته بودیم که دیدیم فردی لنگ لنگان می آید جلوتر که آمد فهمیدیم که علی پرازده است ایشان وقتی که مجروح شده بود و او را به بیمارستان بردی بودند برای مداوا بعد از مداوا به خانه برگشته و دشمن دلش با دوستانش در جبهه بوده نتوانسته بماند لذا با پای زخمی برگشته به جبهه که با التماس او را به عقب فرستادیم چون هر لحظه ممکن بود عراق حمله کند و او نتواند به عقب برگردد .
یادش گرامی .

.....

ویژگیهای شهید از زبان برادران و خواهرانش

شهید فردی متین و سر به زیر ، خوشرو و به همه اعضای خانواده احترام می گذاشت وی فردی کوچک نفس احترام پدر و مادر ما را داشت برخوردش بسیار صمیمی و دوست داشتنی بود باتوجه باینکه از همه ما بزرگتر بود ولی حتی یک بار ما را اذیت و آزار نداد مرتب به ما توصیه می کرد که رفتارمان با مردم خوب باشد وظایف خود را ب خوبی انجام دهیم حجاب را رعایت کنیم حق دیگران پایمال نکرده بود . نسبت به بیت المال بسیار حساس بود علاقه خاصی به قرآن و ادعیه ها داشت . مدتها پیش نماز مسجد بود به حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) علاقه داشت و در برگزاری مراسمات او نهایت سعی و تلاش خود را می نمود مقلد امام بود و پیرو ولایت در پیروزی انقلاب اسلامی و راهپیمایی مردم بر علیه رژیم غاصب شاه نقش مؤثری داشت مرتباً نوارهای امام و اطلاعیه های او را تکثیر می کرد و در بین مردم پخش می نمود .

آرزوی شهادت داشت بارها عنوان می کرد که ای کاش در زمان امام حسین می بودیم و در راه او به شهادت می رسیدیم عضو بسیج بود و به آن افتخار می کرد با سپاه پاسداران در راه برگزاری کلاسهای قرآن همکاری داشت از روحیه بسیار بالایی برخوردار بود و در سخت ترین شرایط فقط نظر به خداوند داشت وی تا سال سوم دبیرستان ادامه تحصیل داد بعد از آن با شروع جنگ تحمیلی به جبهه ها شتافت و در این راه تلاشهای زیادی نمود و در آخر هم به فوز عظمای شهادت نائل شد ایشان در عملیات والفجر در منطقه پیرانشهر مفقود گردیدند و تا هنوز هم مفقود می باشد و هیچگونه اطلاعی از او نداریم



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران